

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ می ۲۰۲۴

ادامه بیگانه پرستی دهه های گذشته!

چهارشنبه- دوم جوزای ۱۴۰۳ - کابل: نگاشته کوبنده و افشاگرانه همزمان شجاع نشریه پیشگام را در مورد "آیت الله قتل عام" خواندم و از موضعگیری داهیانۀ انقلابی آنها آموختم. بابت آن سپاسگزارم!
این نوشته در کل از دو جهت ذهنم را بیشتر به خود مشغول داشت، یکی همسوئی و حتا تطابق آن با دوران حاکمیت نوکران روس و دیگر تلفات ناشی از سیل های ویرانگر هفته های اخیر. در اینجا مختصراً به هر دو مورد اشاراتی خواهم داشت:

۱- همان طوری که قبلاً نیز خدمت تان عرض کرده ام، از آن جایی که آغاز دوره تحصیلی ام با فاجعه ننگین و خونبار هفتم ثور ۱۳۵۷ همزمان شد در نتیجه می توانم بنویسم تمام دوران مکتبم را در زمان حاکمیت نوکران روس به اتمام رسانده ام.

درست به خاطرمانده که صنف چهار بودم و یا پنج، مگر مطمئنم که تا آنزمان دوره ابتدائی را در مکتب درخائی کارته مأمورین تمام نکرده بودم. یکی از روز ها حینی که صبح ساعت هشت به مکتب رسیدم، معلمان و هیأت اداری مکتب را با بازوبند های سیاه دم درب مکتب دیدم.

از برکت!! کشت و کشتاری که همه روزه در شهر و ولایات جریان داشت، فکر می کنم تمام شاگردان متوجه شدیم که بازوبند های سیاه علامت عزا داری مهمی است. برای این که بدانیم چه کسی مرده است زیاد منتظر نماندیم زیرا از طرف اداره همه در صحن مکتب "لاین" به صف شده، سر معلم مکتب که یکی از خانم های دو آتشف پرچمی بود، در حلی که بغض گلپوش را می فشرد ضمن اعلام خبر مرگ "رفیق بزرگ بریژنیف"، رخصتی مکاتب را برای سه روز اعلام داشت. خوب به یاد دارم که این رخصتی ها بابت "مرگ رفقای بزرگ" دیگر یعنی "آندره پوف و چرنینکو" در سالهای بعد نیز ادامه یافت.

۲- در جریان دو هفته اخیر سیلابهای مدهشی که از تخار و بغلان آغاز یافت و به خصوص در ولایات بغلان به هزاران خانواده را از هستی ساقط نمود و در ولایات بادغیس، هرات و فاریاب گسترش یافت، با استناد به تمام رسانه های داخلی و خارجی بیش از ۳۵۰ تن را کشته به همان تعداد زخمی و به هزاران خانه و قریه را ویران و به صد ها هزار جریب زمین و مواشی مردم فقیر نابود ساخت.

به همان سان که دیروز یعنی حدود ۴ دهه قبل، علی رغم جوی های خونی که همه روزه در افغانستان جاری بود و به هزاران تن از توده های میلیونی ما در زیر سنگ و خاک برخاسته از بمبارانهای بیرحمانه ارتش اشغالگر شوروی متوفا از بین می رفتند، هیچ روزی یک معلم و یا یک تن از هیأت اداری مکاتب دورانم تحصیلم با بازوبند سیاه بدان مناسبات نیامدند و فقط اوج بیگانه پرستی شان را در عزاداری از جنایتکاران قرن چون "برژنیف ها، اندره پوف ها" و بقیه به نمایش می گذاشتند، اینبار هم می بینیم که همان بیگانه پرستی کار خودش را کرده، توله سگانی از قماش "سپنتا" ها و بقیه، راجع به مرگ و میر بیش از صد ها تن از هموطنان ما زبان باز نمی کنند، پیام ارسال نمی دارند، تسلیت نمی گویند، مگر وقتی جنایتکاری چون "رئیس" کشته می شود، همه به صف ایستاده برای بازماندگانش تسلیت می گویند.

هموطنان گرامی!

اوج این بی حیائی، دیده درائی و وقاحت مشمنزکننده زمانی خود را تبارز می دهند که تسلیت دهندگان، از یک سو در کنار خود مردم افغانستان را داخل می نمایند و از جانب دیگر مرگ جلا د ملت ایران را به ملت ایران تسلیت می گویند. اینها با تسلیت گفتن به مردم ایران خود را چنان به کوری می زنند که نمی خواهند شادی و پایکوبی مردم ایران را از مرگ آن دژخیم ببینند.

از این قماش توله سگان باید پرسید: شما که خود را مخالف طالب و طالبیسم اعلام می دارید و در شرق و غرب از موضع مخالفت با طالب و طالبیسم در کنفرانس ها اشتراک می ورزید، لطف نموده بنویسید چه تفاوتی بین "خامنه ای- رئیس" و "هبت الله- ملا حسن آخند زاده" وجود دارد که برای مرگ اولی یخن پاره می کنید و برای به زیر کشیدن دومی، اگر خواسته شود از ناموستان نیز می گذرید؟

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!